

ایران؛ خاطره‌ی جاودانی

● مرزیه سلیمانی

بدکرداری خود، در درازنای تاریخ محو شده‌اند؛ شاعرانی بوده‌اند که یمن دعای شب و ورد سحری را با انعکاس روی محبوب در جام می تلفیق کرده‌اند و کسانی که با رنج سی ساله‌ی خود، و با صیانت از زبان پارسی، شکوه و عظمت ایران و ایرانی را زنده کرده‌اند. و این‌ها همه نشان از آن دارد که این سرزمین و رجاوند، با قدرت‌های فرهنگی متنوع فرهنگی، دینی، سیاسی و نظامی خویش، و علی‌رغم همه‌ی زخم خوردگی‌ها، رنجش‌ها و دسیسه‌های تاریخی، سربلند و باشکوه و استوار پابرجاست.

برای اغلب غربی‌ها، به خصوص در چند دهه‌ی گذشته، امپراتوری ایران تنها منطقه‌ی تاریخی در آسیا بود که به دست اسکندر مقدونی فتح شد. اینان حداکثر توجه خود را به آثار و اشیاء تاریخی معطوف می‌داشتند و بررسی سایر عوامل و نشانه‌های عظمت این امپراتوری را به دست فراموشی می‌سپردند. سیاستمداران آنان هم در محاسبات استراتژیک خود از عامل انسانی غفلت می‌ورزیدند و تنها در چارچوب قوانین از پیش تعیین شده و فرمول‌های خشک و ریاضی‌وار به تحلیل مسائل ایران می‌پرداختند. برخی از مردم عادی غرب، حتی نامی از ایران نشنیده بودند و گاه در تلفظ، آن را با عراق یکسان می‌پنداشتند. (Iran:Iraq). این غفلت‌ورزی‌ها و بدفهمی‌ها همچنان ادامه داشت در حالی که به موازات آن گروهی از پژوهشگران ایران‌شناس و ایرانی، به تدریج و بی‌شتاب، با تکیه بر اسناد دست اول و شواهد باستان‌شناسی و تاریخی و نیز با بهره‌گیری از منابع گوناگون سیاسی، اجتماعی، هنری، ادبی و... غبار از تندیس ایران ستردند و بر عظمت این تمدن پیشرفته صحنه گذاردند. تازه‌ترین تلاش صورت گرفته در این مورد، برپایی نمایشگاه «امپراتوری فراموش شده» در بریتیش میوزیوم لندن است که در تابستان سال ۲۰۰۵ توسط خانم آلن لیندزی پژوهشگر در امور خاورمیانه و متخصص دوره‌ی هخامنشی و ایران پیش از اسلام برپا شد و مورد توجه فراوان قرار گرفت. وی استاد تاریخ و متخصص ایران، خاور نزدیک کهن و اسکندر مقدونی در دانشگاه آکسفورد است و در انستیتو واربرگ و بریتیش میوزیوم نیز مسئولیت‌هایی دارد.



- A History of Iran: Empire of The Mind
- Michael Axworthy
- Publisher: Basic Books (May 5, 2008); 352 pages

آه کوروش... شهروندان تو، ایرانیان، مردمانی فقیر با روحی پرغرور هستند. (شاه کروسوس از لیدیایا/ به نقل از هرودوت)

ایران سرزمین اعمال و عقاید متنوع و - از نظر غربیان - گاه حتی متناقض‌نماست. کشوری غنی و گسترده، با مردمانی پیچیده که طی سالیان بلند حیات خویش، خوشی‌ها و ناکامی‌های بسیاری را از سر گذرانده است؛ بر اغلب رویدادهای جهان تأثیر گذارده و از برخی از آن‌ها تأثیر پذیرفته؛ نبردهای خونین چند روزه و چند ساله را به خود دیده؛ شاهانی آمده‌اند و بر اورنگ سلطنت تکیه زده‌اند و چنان آوازه‌ای یافته‌اند که نام و یادشان در ذهن و ضمیر همه‌ی جهان باقی مانده است؛ پادشاهانی رفته‌اند به همراه پژواک



گذاشته‌اند.

نویسنده در عین مراجعه به شواهد و اسناد دست اول و خوانش دوباره‌ی آثار برجای مانده از نویسندگان و محققان پیش از خود، به هیچ روی روایت‌گری ساده و کهنه‌گرا نیست و در جای‌جای کتاب، تازه‌ترین اطلاعات به‌دست آمده و نتایج پژوهش‌های مدرن را به خواننده عرضه کرده است. در مجموع، به‌نظر می‌رسد به‌رغم برخی کمبودها و خطاها، تحلیلی استوار و قانع‌کننده نیز ارائه می‌دهد. فهم درست سرزمین ایران، با تنوع عظیم فرهنگی و غنای سنت‌های چند فرهنگی‌اش، که روزگاری از شمال لیبی تا آسیای مرکزی امتداد داشت و امروز، اگرچه به لحاظ جغرافیایی و در تندباد حوادث از گستره‌ی آن کاسته شده، اما هم‌چنان از قدرت و نفوذ فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که در تعیین و یا برهم زدن معادلات منطقه‌ای و جهانی نقشی پراهمیت داراست. بالطبع فهم دقیق این نفوذ راهبردی در حساس‌ترین منطقه‌ی جهان، مستلزم این است که به گذشته‌ها بازگردیم. به روزگار داریوش و کوروش؛ دوران شکوفایی جامعه‌ی چندفرهنگی و آزادی اعمال و عقاید دینی به مدت ۲۵۰ سال، تا هنگامی که حمله‌ی اسکندر مقدونی در سال ۳۳۱ ق.م. به زوال این امپراطوری منجر شد. اما استواری، تنوع و غنای آن چنان عمیق بود که به توسعه‌ی فرهنگی و سیاسی خویش هم‌چنان ادامه داد و ادامه می‌دهد.

برپایی نمایشگاه عظیم «ایران: امپراتوری فراموش شده» که به مدت یک ماه و اندی دایر بود و با ارائه‌ی مقالات علمی و برپایی سمینارها و کارگاه‌های تحقیقی درباره‌ی تاریخ، فرهنگ و اقلیم‌های ایران همراه بود، گوشه و نشانی از همین تلاش‌هاست. شاید که در تاریخ و روشن پژوهش‌های علمی و به دور از قیل و قال‌های بی‌بنیاد کشورکافی نوزاده و نوساخته و بی‌تاریخ که گاه خواب بخشی از ایران را می‌بینند و زمانی دیگر، نام قسمتی دیگر از آن را تغییر می‌دهند، بتوان به لایه‌های پنهان‌تر این تمدن عظیم و جهانی دست یافت.

یکی دیگر از تحقیقات مرتبط با ایران، کتابی است که به همین تازگی (۵ می ۲۰۰۸) توسط مایکل آکسورتی و با نام «تاریخی از ایران: امپراتوری ذهن» منتشر شده است و از روزگار هخامنشیان تا زمان ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد را در بر می‌گیرد. اگرچه زمان آغازین وقایع کتاب به قرن ششم پیش از میلاد بازمی‌گردد، اما بیشترین تمرکز آکورتی بر بازگویی وقایعی است که بر تاریخ شکل‌گیری و بقای ایران تأثیر داشته‌اند و آنجاکه انبوهی از جزئیات مرتبط در دسترس نویسنده قرار گرفته، به مدد اسناد و منابع دست اول، قطعات پراکنده‌ی پازل کنارهم چیده می‌شوند و کتاب به داستانی شیرین و جذاب تبدیل می‌شود. داستانی بلند و دلکش که با اصطلاحات زیبا و فخیم و از زبان مردان و زنانی روایت می‌شود که بر رویدادهای مهم تأثیر

نویسنده - معتقد است که اشتباه تاریخی و تألیفی محققان ایران‌شناس باید تصحیح شود و هنگام سخن گفتن از گذشته‌ی ایران، به جای به‌کارگیری اصطلاحاتی هم‌چون ایران باستان و ایران قدیم باید از عبارت صحیح‌تر امپراتوری ایران بهره جست

تهاجمات بیگانگان بر علیه ایران و نیز بررسی جنبش‌های فرهنگی و نهضت‌های عقلانی از دیگر وجوه متمایز این کتاب در مقایسه با سایر آثار مشابه است که عمدتاً یک خط سیر کلی از تاریخ را با اتکاء به گونه‌ای پیش فرض تبیین می‌کنند. آکسورتی هم‌چنین به نقش بسیار مهم دین در ذهن و زندگی مردمان ایرانی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که عامل دین، از دیرباز و از همان نخستین روزهای تشکیل امپراتوری ایران تا به امروز، از نفوذ و جاذبه‌ای بس عمیق برخوردار بوده، به گونه‌ای که فهم تاریخ و علل فراز و نشیب‌های حیات مردمان این سرزمین، در خارج از بافت دینی و بدون در نظر گرفتن احساسات مذهبی و رهبران روحانی امکان‌پذیر نخواهد بود.

در تشریح برخی وقایع - به‌ویژه رویدادهای مدرن - نویسنده گاه تنها به ذکر واقعه بسنده کرده و به مبادی و زیرساخت آن نفوذ نکرده است. جای تعجب نیست، چرا که آکسورتی تاریخی چند صد ساله را بررسی کرده اما خواننده پس از اتمام کتاب آرزو می‌کند ای کاش به برخی از رویدادها بیشتر پرداخته می‌شد و در عوض کتابی دو یا سه جلدی انتشار می‌یافت. از جمله این مقاطع تاریخی کودتای سال ۱۹۵۳ بر علیه مصدق - نخست وزیر وقت ایران - و قبل از آن، رسیدن محمدرضا شاه به قدرت در اوایل قرن بیستم است. هم‌چنین ماجرای اشغال لانه‌ی جاسوسی امریکا و گروگان‌گیری در سال ۱۹۸۰، یا بیانات امام خمینی (ره) و متقابلاً عکس‌العمل‌های صدام حسین در خلال جنگ ایران و عراق و مسأله‌ی ایران - کنتررا از موضوعاتی است که تنها چند صفحه‌ی کتاب بدان اختصاص یافته و مطابق معمول مستشرقان معاصر و دیپلمات‌مآب، تحلیل‌های نویسنده گاه رنگ کم‌توجهی و گاه غرض‌ورزی به خود می‌گیرد. اما در مواردی دیگر مثل تثبیت و تصویب نام ایران (به جای Persia) در مجامع اروپایی و بین‌المللی، جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، جنگ ایران و عراق، نهضت جنگل و سایر رخداد‌های معاصر و یا شخصیت‌های تأثیرگذار در عرصه‌های مختلف فرهنگ ایران به قدر کفایت سخن گفته، و با استناد به منابع گفته است. مثلاً

آکسورتی نقطه‌ی عطف جدایی و تمایز هویت اروپایی و آسیایی را سفر ایرانیان به یونان در اوایل قرن پنجم ق.م. می‌داند. شیوه‌ی نگارش او آکادمیک است؛ در استخراج نتایج از منابع موجود، تبصره دارد؛ اساساً در گزارشات پرشمار یونانی به دیده‌ی تردید می‌نگرد و بیشتر مایل است از منابع و دیدگاه‌های ایرانی‌محور استفاده کند. وی - همانند آلن لیندزی - معتقد است که اشتباه تاریخی و تألیفی محققان ایران‌شناس باید تصحیح شود و هنگام سخن گفتن از گذشته‌ی ایران، به جای به‌کارگیری اصطلاحاتی هم‌چون ایران باستان و ایران قدیم باید از عبارت صحیح‌تر امپراتوری ایران (به‌مانند امپراتوری روم یا امپراتوری بریتانیای کبیر) بهره جست. در رویکرد به تواریخ گذشته‌ی ایران، نویسنده بیشتر به موفقیت‌های پادشاهان کهن ایران توجه داشته که البته با پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌ی معماری، دین، آثار هنری، نظم سیاسی و استعلا‌ی فرهنگی همراه بوده است. از دیگر بخش‌های جالب «امپراتوری ذهن»، ارائه‌ی الگوی ظهور و سقوط امپراطوری‌ها و حکومت‌های بزرگ ایرانی از زمان هخامنشیان تا سقوط محمدرضا پهلوی و ظهور انقلاب اسلامی است.

اگرچه اغلب بخش‌های کتاب با مراجعه و استناد به منابع متقن علمی تألیف شده و گاه به گاه حاوی تحلیل‌های استوار نویسنده نیز هست، اما به هیچ روی به گونه‌ای کند و دراز‌آهنگ نوشته نشده و به ویژه در مورد برخی از حوادث متأخرتر ایران، از اظهارنظرهای شخصی اجتناب ورزیده است. در عوض، اختصاص بیست و اندی صفحه از کتاب به مبحث «شعر ایرانی» بسیار جذاب است و نشان از دقت نظر و علاقه‌ی مؤلف به فرهنگ، هنر، شعر و شاعران ایرانی دارد. به‌گونه‌ای که برخی از منتقدین و مؤلفین غربی را به این مقوله علاقه‌مند ساخته است و بعضی از آن‌ها در مقالات خود صراحتاً عنوان کرده‌اند که پس از مطالعه‌ی این بخش، ترجمه‌ی اشعار شاعران ایرانی را به کتابخانه‌ی خود افزوده‌اند.

نیمه‌ی اول کتاب، به دلیل سیر در آثار و افکار و احوال گذشتگان، اندکی ملال‌آور به نظر می‌رسد، اما وقایع پس از سال ۱۹۰۰ میلادی و به ویژه دو فصل پایانی کتاب بسیار جالب و جذاب به تصویر کشیده شده است. بخش مربوط به جنگ‌ها و به خصوص

فهم تاریخ و علل فراز و نشیب‌های حیات مردمان این سرزمین، در خارج از بافت دینی و بدون در نظر گرفتن احساسات مذهبی و رهبران روحانی امکان‌پذیر نخواهد بود



آکسورتی در قطعات مختلفی از کتاب به تنوع قومی و فرهنگی ایران اشاره می‌کند و از جمله می‌نویسد: «تقریباً نیمی از جمعیت ایران از اقلیت‌های قومی آذری، کرد، گیلک، بلوچ و ترکمن تشکیل شده‌اند، اما همگی این‌ها با زبان فارسی سخن می‌گویند. زبانی که تنها زبان هندو - اروپایی در خاورمیانه‌ی عرب‌زبان به شمار می‌رود.» ایرانیان - به گفته‌ی آکسورتی - به خوبی با مفهوم بهشت و جهنم و حق انتخاب آزاد بین خیر و شر آشنا بودند. این امر به‌سان خصیصه‌ای ذاتی در درون آن‌ها نهادینه شده و آنان با همین قدرت انتخاب و بر اساس نظریه‌ی اختیار در مقابل جبر، پیش رفتند؛ تا آنجا که امروزه نیز با اتکاء به همین حق انتخاب مایلند نقشی هرچه پر اهمیت‌تر در جهان و معادلات جهانی ایفا نمایند.

نویسنده‌ی «امپراتوری ذهن» البته مسائل و مشکلات جامعه‌ی ایرانی را نیز از نظر دور نداشته اما اذعان می‌دارد علی‌رغم مشکلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و تغییرات و تحولاتی که گویی هم‌زمان توأمان یک کشور انقلابی و جنگ‌زده است، ایران و تمدن عظیم آن در حاله‌ای طلایی قرار گرفته است. به گفته‌ی او این حاله تنها به پرسپولیس، تخت طاووس، عمر خیام، کوروش، داریوش و خشایارشا مربوط نمی‌شود بلکه دوهزار و نیم تاریخ درخشان و پرفراز و نشیب و تداوم این تاریخ، افق‌های زیبای آن را روشن‌تر می‌سازد. او می‌پذیرد که حمله‌ی اسکندر به ایران،

در بخش مربوط به شعر، علاوه بر شاعران مطرحی همچون فردوسی، جامی، حافظ و خیام، از قدما و معاصران، از کسانی همچون دقیقی طوسی، فرزاد و فروغ فرخزاد هم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در شرح و دسته‌بندی ادیان و فرق گوناگون مذهبی در کنار دین‌های زرتشتی، مسیحی، یهودی و اسلام؛ مانویان و مندائیان هم مد نظر بوده‌اند و جالب اینکه عشق و اعتقاد ایرانیان به ائمه و به ویژه امام علی (ع)، امام حسین (ع)، و امام رضا (ع) به خوبی وصف شده است.

از دیگر بخش‌های جالب توجه کتاب، اختصاص بخشی - هرچند کوچک - به سینمای ایران است که البته در ضمن مقوله‌های فرهنگی معاصر ایران بدان پرداخته شده و به ویژه سینمای ایران پس از انقلاب اسلامی به شکلی موجز اما کافی و رسا مورد تحلیل قرار گرفته است. در بخش جنگ‌های ایران، نبردهای ایران با یونانیان، رومیان، اعراب صدر اسلام، افغان‌ها، روس‌ها و انگلیسی‌ها و البته جنگ ایران و عراق به تفصیل بازتعریف شده اما به حمله‌ی مغول‌ها و عثمانی‌ها کمتر پرداخته و باید یادآوری کرد «امپراتوری ذهن» کتابی همچون «همه‌ی مردان شاه» یا انبوهی از کتاب‌های دیگر که در ارتباط با تاریخ معاصر ایران (از ۱۹۵۳ بدین‌سو) تألیف شده‌اند، نیست که منحصرأ به وقایع اخیر ایران بپردازد. گویا نویسنده خود نیز به تاریخ ایران باستان بیشتر علاقه داشته است تا وقایع دوران متأخر ایران.

اگرچه «امپراتوری ذهن» یک کتاب آکادمیک است و بر مبنای منابع دست اول نوشته شده، اما در قسمت‌های مربوط به تاریخ معاصر ایران، نویسنده یا تنها به ذکر وقایع بسنده کرده و یا به مانند بسیاری از پژوهشگران غربی با تنگ‌نظری به وضعیت ایران نگریسته است

این کشور را یونانی‌مآب نکرده است، بلکه این ایرانی‌ها بوده‌اند که بر شکل‌گیری رفتار سلطنتی رم و بیزانس تأثیر گذاشته‌اند و از همین جا راهی به‌سوی میترائیسم می‌گشاید. دینی که در سراسر امپراتوری رم گسترش یافت و بی‌تردید از ایران بدان‌جا راه یافته بود.

وقایع ایران پس از اسلام، با بررسی تاریخ و آرای کلامی معتقدان و عالمان تشیع، اهل تسنن و تصوف آغاز می‌شود و با مأمّن گرفتن نویسندگان، شاعران، فیلسوفان و عالمانی همچون کندی، فارابی - مترجمان افلاطون و ارسطو - و ابن سینا و بسیاری از نویسندگان و پژوهشگرانی که در ایران قرون وسطی درخصوص مسائل پیشرفته‌ی علمی و پزشکی قلم می‌زنند، ادامه می‌یابد.

ایران کشور ثروتمندی بود (به‌خاطر آوری که در جاده‌ی ابریشم قرارداشت) و همین ثروت، موجبات تهاجم مهاجمان افغانی و عثمانی را - به ویژه در قرن هجدهم - فراهم می‌آورد. اما کسی مثل نادر، تاج و تخت را از مهاجمان افغانی بازپس گرفت و حدود و ثغور مرزهای ایران را گسترش داد. ماجرای سقوط صفویه، نادر و سال‌های نخستین قاجاریه، پنجاه صفحه‌ی کتاب را دربر گرفته است. در این‌جا لازم می‌دانم یادآوری کنم که آکسورتی، کتابی مفصل را به نادرشاه و زندگانی او اختصاص داده که با نام «شمشیر ایران» در سال ۲۰۰۶ به چاپ رسیده است.

جنگ‌های داخلی در روزگار آقامحمدخان قاجار و بحران پادشاهی در شش، هفت صفحه بازگو شده و پس از آن، دوران پهلوی با ذکر سرگذشت شاه و تمرکز بر فرح دیبا - همسر محمدرضا پهلوی - آغاز می‌گردد. اما نکته‌ی محوری و جالب این است که در خلال توصیف و تحلیل همه‌ی این وقایع، آکسورتی همواره بر جنبه‌های دینی و عقلانی حیات ایرانی تأکید می‌ورزد و صراحتاً می‌گوید در ذهن و زندگی ایرانیان، خداوند و انسان کامل با یکدیگر ارتباطی دیرینه داشته‌اند. سرانجام، در نهایت حوادث پس از انقلاب، با احیاء فکر اسلامی آغاز شده و با جنگ ایران و عراق ادامه می‌یابد.

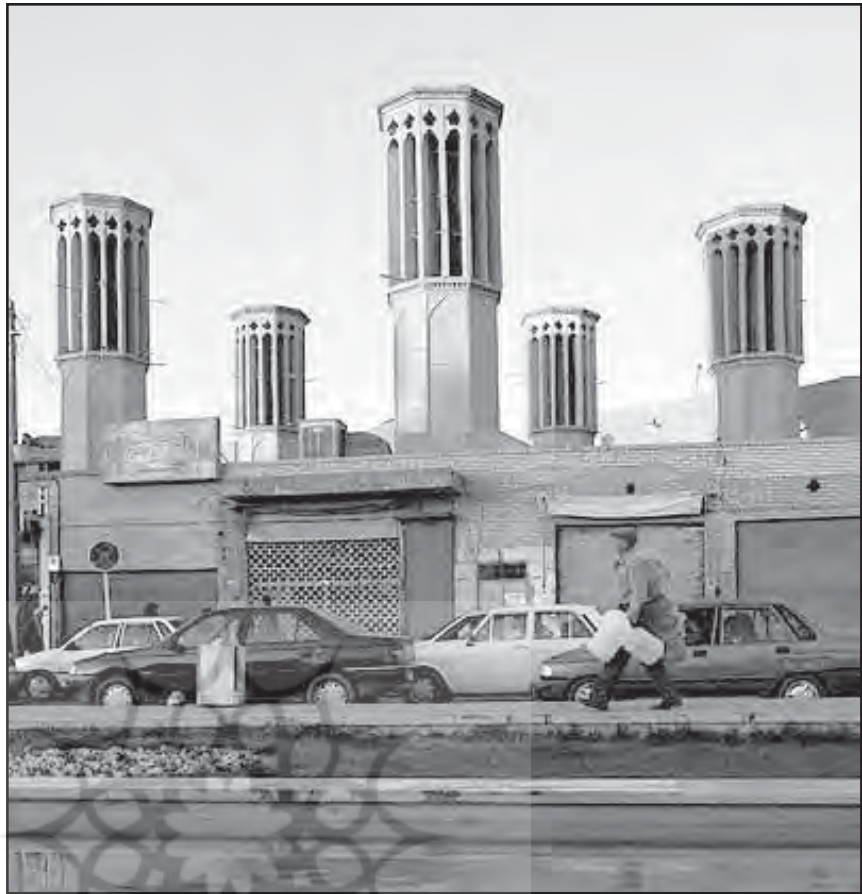
«امپراتوری ذهن» ۳۵۲ صفحه است. با یک مقدمه و یک

پیش‌گفتار آغاز می‌شود و پس از نه فصل، با یادداشت‌ها، گزیده‌ی کتاب‌شناسی و نمایه اتمام می‌یابد. فصل اول این کتاب، «ریشه‌ها: زرتشت، هخامنشیان و یونان» نام دارد. فصل دوم با عنوان «شکوفایی محدود: پارتی‌ها و ساسانی‌ها» تألیف شده است. «اسلام و تهاجمات عرب‌ها، ترک‌ها و مغول» عنوان فصل سوم است که با یک عنوان فرعی با نام «فتح ایران به دست اسلام، صوفیان و شاعران» ادامه می‌یابد. صفحه‌ی ۱۲۳ کتاب، آغاز فصل چهارم است که «تشیع و تصوف» نام گرفته. «سقوط صفویه، نادرشاه، دوره‌ی فترت قرن ۱۸ و سال‌های نخستین قاجاریه» تشکیل دهنده‌ی فصل پنج کتاب است که با «بحران سلطنت قاجار، انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۵ و به قدرت رسیدن سلسله‌ی پهلوی» یعنی فصل شش کتاب ادامه می‌یابد. «پهلوی‌ها و انقلاب ۱۹۲۹» فصل هفت و «ایران از انقلاب بدین‌سو، احیاء اسلامی، جنگ و مواجهه با احیاء» فصل هشت کتابند. و در نهایت فصل نه کتاب «از خاتمی تا احمدی‌نژاد» نام دارد که درباره‌ی رئیس‌جمهور فعلی و سابق ایران و ممیزات دوران آنان به بحث و بررسی پرداخته است.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، اگرچه «امپراتوری ذهن» یک کتاب آکادمیک است و بر مبنای منابع دست اول نوشته شده، تبصر و تسلط نویسنده در بخش‌های آغازین کتاب مشهودتر است و در قسمت‌های مربوط به تاریخ معاصر ایران، وی یا تنها به ذکر وقایع بسنده کرده و یا به مانند بسیاری از پژوهشگران غربی با تنگ‌نظری به وضعیت ایران نگریسته است. ما به سخن خود او باز می‌گردیم که ایران سرزمین اعمال و عقاید متنوع و از نظر غریبان گاه حتی متناقض‌نما (Paradoxical) است. یک تحلیل‌گر اجتماعی ممکن است قادر باشد وقایع اجتماعی را به سرعت تحلیل کرده و نتایج آن را نیز انتشار دهد اما برای اظهار نظرهای تاریخی باید کمی صبورتر بود و این چنین سریع به واکاوی رویدادهای کشوری به بزرگی و پیچیدگی ایران پرداخت. کشوری که بنا به اعتراف خود نویسنده، دارای تمدنی عظیم و ملتی پیچیده است. ضمن آن که ذکر برخی از حوادث متأخرتر یا اصلاً به تاریخ مربوط نیستند و یا اهمیتی بسیار اندک دارند چنان‌که بود و نبودشان چندان تأثیری در سرشت و سرنوشت ایرانیان نخواهد داشت. در این خصوص به‌نظر می‌رسد به‌ویژه فصول پایانی کتاب، با اتکاء به منابع ضعیف، اخبار اینترنتی و

نویسنده می‌پذیرد که حمله‌ی اسکندر به ایران، این کشور را یونانی‌مآب نکرده است، بلکه این ایرانی‌ها بوده‌اند که بر شکل‌گیری رفتار سلطنتی رم و بیزانس تأثیر گذاشته‌اند

گروهی از پژوهشگران
ایران‌شناس و ایرانی، با
تکیه بر اسناد دست اول
و شواهد باستان‌شناسی
و تاریخی غبار از تندیس
ایران ستردند و بر
عظمت این تمدن پیشرفته
صحه گذاردند



در فرجام این مقاله، گفتار پایانی را به آغاز نخستین فصل این کتاب با عنوان «ریشه‌ها...» اختصاص می‌دهیم:

«تاریخ ایران با یک پرسش آغاز می‌شود. ایرانیان که هستند؟ این پرسش تنها به منشأ و ریشه‌ی ایرانیان مربوط نمی‌شود بلکه به یک شکل یا شکلی دیگر، در تاریخ این کشور مردمان آن تا به امروز انعکاس می‌یابد. ایرانیان شاخه‌ای از خانواده‌ی هند و اروپایی بودند که از جایی که امروزه استپ‌های روسیه نامیده می‌شود حرکت کردند تا در اروپا، ایران، آسیای مرکزی و هند شمالی استقرار یابند. این حرکت‌ها طی یک مجموعه از مهاجرت‌ها و تهاجماتی صورت گرفت که در بخش پایانی هزاره‌ی دوم پیش از میلاد رخ داد. این امر، توضیح دهنده‌ی روابط نزدیک بین زبان فارسی و دیگر زبان‌های هند و اروپایی، به‌ویژه سانسکریت و لاتین و بلکه زبان‌های مدرن‌تری مثل هندی، آلمانی و انگلیسی است. هر کسی که به یک زبان اروپایی صحبت می‌کند و در حال یادگیری زبان فارسی است، خیلی زود با مجموعه‌ای از کلمات آشنا مواجه می‌شود: پدر / فادر / لاتین: پاتر، دختر / داوتر، گزل، آلمانی: تاوتر، مردن / لاتین: مورتوس / فرانسه: موریر، لامورت، نام / نیم، در / در و... شاید آشناتر از همه فعل to be باشد مثلاً به am در I am Iranian توجه کنید که ترجمه‌ی آن عبارت است از: من ایرانی‌ام...»

اطلاعات ژورنالیستی تألیف شده‌اند و اگرچه نحوه‌ی رخداد وقایع و تاریخ آن‌ها تقریباً صحیح و تاحدودی بی‌خدشه است، اما نحوه‌ی بازگویی آن‌ها و تحلیل‌ها و تفریض‌های گاه‌وبی‌گاهی بر آن‌ها کمتر قابل اعتماد و اتکاست. لازمه‌ی یک پژوهش تاریخی، دوری از تنگ‌نظری و اجتناب از غرض‌ورزی و البته استناد به منابع مستحکم و دست اول و یا مشاهده‌ی دقیق وقایع است که عجباً در بخش نخستین کتاب عمیقاً رعایت شده، و در بخش پایانی آن کمتر و کم‌رنگ‌تر شده است.

مایکل آکسورتی، نویسنده‌ی کتاب «تاریخی از ایران: امپراتوری ذهن»، عضو افتخاری انستیتو مطالعات عرب و اسلامی در دانشگاه اکزتر لندن است و سال‌ها به‌عنوان دیپلمات در ایران مشغول به کار بوده است. از دیگر آثار وی می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

- شمشیر ایران: نادرشاه، از جنگجوی قبیله‌ای تا فتح استبدادی
- بمباران اخلاقی (در ارتباط با بمباران آلمان در جنگ جهانی دوم)
- بدفهمی ایران
- فقدان ایمان
- شورش‌های ایرانی